

بررسی تطبیقی مدت و مبدأ مرور زمان در کنوانسیون مرور زمان راجع به بیع بین‌المللی کالا با مقررات متحدالشکل تجاری ایالات متحده آمریکا و اسناد دیگر

محمد تقی رفیعی* - امین طاهرخانی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲)

چکیده

اعمال محدودیت زمانی، پیرامون حق اقامه دعوا در قراردادهای تجاری بین‌المللی علاوه بر جلوگیری از بی‌ثباتی و حفظ منافع طرفین، به عنوان یک ضرورت نیز قلمداد می‌شود. مدت مرور زمان در کنوانسیون همانند مقررات متحدالشکل تجاری چهار سال تعیین شده در حالی که این بازه زمانی در مقررات دو سند دیگر سه سال تعیین گردیده است. مبدأ مرور زمان در تعیین این بازه زمانی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نماید. طبق مقررات کنوانسیون، مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که ادعا شکل گرفته باشد. در ماده ۷۲۵-۲ مقررات متحدالشکل تجاری آمریکا نیز، همین معیار مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در ارتباط با تعیین مبدأ مرور زمان، جز در مواردی که حق فسخ ایجاد شده؛ مقررات متحدالشکل تجاری با کنوانسیون هماهنگ و سازگار است. این امر به این دلیل است که در مقررات متحدالشکل تجاری آمریکا در غالب موارد به استثنای دعاوی ناشی از تقلب، از اعمال «قاعده‌ی کشف» برای تعیین مبدأ مرور زمان خودداری شده است. در حالی که در یونیدغای ۲۰۱۰ و چارچوب کلی ارجاع، پیرامون تعیین مبدأ مرور زمان «قاعده کشف» در کلیه موارد اعمال گردیده است. به همین سبب جز در ارتباط با دعاوی ناشی از تقلب، مقررات کنوانسیون با دو سند اخیر هماهنگ و سازگار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: مدت و مبدأ مرور زمان، مواد ۸ تا ۱۳ کنوانسیون مرور زمان، ماده ۷۲۵-۲ مقررات متحدالشکل تجاری ایالات متحده آمریکا، ماده ۲۰۳-III-
چارچوب کلی ارجاع، ماده ۲-۱۰ یونیدغای ۲۰۱۰

Rafiei@ut.ac.ir

*دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

**دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل پردیس فارابی دانشگاه تهران

Tahreamin88@gmail.com

مقدمه

جهانی شدن و وابستگی متقابل اقتصادی کشورها موجب افزایش روزافزون حجم معاملات تجاری بین‌المللی گردیده است. به نحوی که امروزه در غالب کشورها، تجار به بازارهای داخلی بسنده نکرده و با افزایش میزان تولید، محصولات خود را در بازارهای جهانی نیز عرضه می‌کنند. در همین جریان و طی قراردادهای بیع بین‌المللی کالا، تجار با مشکلاتی مواجه شدند که در معاملات داخلی با آنها روبرو نبودند. یکی از این مشکلات، موضوع مرور زمان در این نوع از قراردادها است.

مرور زمان، سپری شدن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود. و چون این مقررات اصولاً مخالف قواعد موجد حق است و جنبه استثنایی بر آن قواعد دارد، در صورت تردید در توسعه و یا محدودیت اعمال این مقررات، می‌بایست تفسیر مضیق شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۳۸)

مرور زمان^۱ در بیع بین‌المللی کالا به بازه زمانی اطلاق می‌گردد که طی آن طرفین یک قرارداد، می‌توانند ادعایی را که ناشی از قرارداد بوده و یا مرتبط با نقض، فسخ یا بطلان آن باشد مطرح نمایند؛ به نحوی که پس از گذشتن این مدت زمان، ادعای طرفین مسموع نخواهد بود.^۲ اقدام جهت حل و فصل اختلافات در بازه زمانی معین، علاوه بر جلوگیری از بروز بی‌ثباتی و بی‌نظمی؛ موافق با حفظ منافع عامه است. این امر، به ویژه در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا اهمیت بیشتری می‌یابد، چرا که این نوع معاملات به واسطه ویژگی تجاری و بین‌المللی بودن خود، می‌بایست از قطعیت، ثبات و سرعت بیشتری برخوردار باشند.

پیچیدگی مقررات تعارض قوانین و مشکلات یافتن قانون حاکم در دعاوی خصوصی بین‌المللی سبب شده است تا آنسترا به منظور یافتن راه حل و هماهنگ نمودن نحوه عملکرد دولت‌ها، با تأکید بر تحکیم روابط دوستانه بین آنها از سال‌ها پیش به کوشش‌هایی اهتمام ورزد. از جمله مهم‌ترین این کوشش‌ها که در جهت تسهیل تجارت بین‌الملل صورت پذیرفت

۱. مرور زمان دارای معادل‌های متفاوتی می‌باشد از جمله Laps of time و یا اصطلاح Prescription که مربوط به نظام حقوقی کشورهای اروپای قاره‌ای است. اما در این مقاله، عبارت مرور زمان ترجمه عبارت Limitation Period می‌باشد که در کنوانسیون مرور زمان نیز از همین اصطلاح استفاده شده است. (رفیعی، ۱۳۹۳، صص ۶۶۹، ۸۶۱، ۶۳۹).

2. UN Limitation Convention Article 1-1: This Convention shall determine when claims of a buyer and a seller against each other arising from a contract of international sale of goods or relating to its breach, termination or invalidity can no longer be exercised by reason of the expiration of a period of time'

تنظیم کنوانسیون مرور زمان راجع به بیع بین‌المللی کالا در سال ۱۹۷۴ بود. اولییتی که کمیسیون تجارت بین‌الملل برای مسئله مرور زمان قائل شد، نشأت گرفته از موانعی بود که تنوع قوانین داخلی کشورها در خصوص مرور زمان در عمل ایجاد می‌کرد. (دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، صص ۳۳۳-۳۳۷)

یکی از مشکلاتی که پیرامون اعمال مقررات حقوق داخلی کشورها در ارتباط با مسئله مرور زمان در بیع بین‌المللی کالا مطرح است، تفاوت در جایگاه قانونی آن در نظام‌های حقوقی می‌باشد. مرور زمان در غالب کشورهای رومی - ژرمنی جزو مسائل ماهوی است در حالی که در کشورهای کامن لو جزو مسائل شکلی محسوب می‌شود و این امر موجب بروز مشکلاتی در ارتباط با این موضوع می‌گردد. برای مثال، در صورتی که در قراردادی قانون حاکم، حسب اعمال قواعد حل تعارض، قانون کشور کامن لو باشد، در هنگام بروز دعوا بین طرفین و اقامه دعوا در کشوری با نظام حقوق رومی - ژرمنی، از نگاه حقوقی امکان اقامه دعوا برای این مورد تا سالیان زیادی با مانع روبرو نخواهد شد (Sono, 2003, p. 5).

اگر چه در اینگونه موارد، قانون مقرر دادگاه اعمال خواهد شد، اما این عدم اطمینان، مطلوب فرایندهای تجاری بین‌المللی نیست. یکی دیگر از مشکلاتی که پیرامون اعمال حقوق داخلی در رابطه با مسئله مرور زمان وجود دارد؛ بازه مرور زمان در کشورهای مختلف می‌باشد. این بازه زمانی از شش ماه تا سی سال در کشورهای، متغیر است و حتی در برخی از آنها مسئله مرور زمان مطرح نیست (Sono, 2003, p4).

بازه زمانی شش ماه، با توجه به بین‌المللی بودن قراردادهای مورد بحث، مدت زمان کوتاهی است و در مقابل، برخی از بازه‌های زمانی نیز با خصوصیت و ویژگی تجاری بودن اینگونه قراردادهای همخوانی و سازگاری لازم را ندارند. مرور زمان سی ساله نیز، جهت اقامه دعوا ناشی از اینگونه قراردادهای مدت زمان طولانی محسوب می‌شود، به طوری که، موجب بروز عدم ثبات و امنیت در معاملات تجاری می‌گردد و همانطور که پیش‌تر بیان شد با تجاری بودن این قراردادهای که مستلزم سرعت و اطمینان هستند در تعارض است. بنابراین، با افزایش روابط تجاری بین‌المللی لزوم تنظیم مقررات متحدالشکل و هماهنگی در عرصه بیع بین‌المللی کالا بیش از پیش احساس گردید، که این ضرورت، در نهایت منجر به شکل‌گیری کنوانسیون مرور زمان ۱۹۷۴ و متعاقباً اصلاح آن در سال ۱۹۸۰ همزمان با شکل‌گیری کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در عرصه بین‌المللی گردید. مدت و مبدأ مرور زمان یکی از مسائل بحث‌برانگیزی است که در مواد ۸ تا ۱۳ کنوانسیون مرور زمان^۱ به آن پرداخته شده است. هنگام شروع این بازه از آن جهت مورد توجه قرار گرفته، که دارای تأثیر مستقیمی در طول مدت مرور زمان می‌باشد. در این مقاله قصد داریم به بررسی تطبیقی این موضوع در کنوانسیون مرور زمان و مقررات متحدالشکل تجاری ایالات متحده آمریکا^۲؛ DCFR^۳؛ UNIDROIT 2010^۴ پردازیم و میزان سازگاری و هماهنگی این اسناد را با یکدیگر بسنجیم.

مدت و مبدأ مرور زمان در کنوانسیون مرور زمان و مقررات متحدالشکل تجاری ایالات متحده آمریکا (UCC)

در این گفتار مدت مرور زمان و به تعبیری بازه مرور زمان و همچنین مبدأ مرور زمان در کنوانسیون مرور زمان و UCC مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. United Nation Convention on The Limitation Period In The International Sale Of Goods 1974

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۴ توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد تنظیم گردید و بعد از تنظیم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^{۱۹۸۰}، متناسب با آن اصلاح گردید. علی‌رغم اینکه تعداد کمی از کشورها به این کنوانسیون ملحق شده‌اند اما این کنوانسیون از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در بیع بین‌المللی کالا برخوردار است.

2. Uniform Commercial Code

مجموعه مقررات متحدالشکل ایالات متحده آمریکا برای اولین بار توسط (ALI) و (NCCUSL) در سال ۱۹۵۲ تنظیم گردید و در حال حاضر در اغلب ایالات متحده آمریکا با اندک تغییراتی به تصویب رسیده است و لازم‌الاجرا است. UCC تنها زمانی قابل اجرا است که توسط قوه‌ی قانونگذاری ایالت مورد نظر به تصویب رسیده باشد.

3. Draft Common Frame of Reference

پیش‌نویس چارچوب کلی ارجاع یا طرح چارچوب مشترک مرجع در سال ۲۰۰۷ به کمیسیون اروپا ارائه گردید. این پیش‌نویس نتیجه‌ی چهار سال فعالیت مستمر «گروه مطالعه قانون مدنی اروپا» و «گروه تحقیق حقوق خصوصی موجود اتحادیه اروپا» می‌باشد که شامل ده کتاب در موضوعات مختلف حقوق خصوصی است (ترابی و شعاریان، ۱۳۹۳، ص ۵۷). پیش‌نویس چارچوب کلی ارجاع «Hard Law» محسوب نمی‌شود اما بسیاری از مفاد آن موافق قوانین داخلی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا است. این اثر از جهات گوناگونی دارای اهمیت است، ابتدا از این جهت که روند تغییرات در اتحادیه‌ی اروپا را نشان می‌دهد و همچنین حاصل تلاش ۲۵۰ نفر از قضات، صاحب‌نظران، و کلاهی برجسته و دانشگاهیان است (Von Bar & Clive, p 2009).

4. UNIDROIT 2010 (Principles of International Commercial Contracts)

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (یونیدغای ۲۰۱۰)، مجموعه‌ای از اصول است که ممکن است با رضایت طرفین مبنی بر انتخاب این اصول به عوان قانون حاکم بر قرارداد، اعمال شود یا ارجاع به اصول کلی حقوق یا Lex Mercatoria نیز موجب اعمال مقررات یونیدغای ۲۰۱۰ می‌شود. حتی ممکن است برای تفسیر قوانین و مقررات داخلی نیز از این اصول استفاده شود. بنابراین یونیدغای ۲۰۱۰ نیز که توسط «موسسه بین‌المللی برای متحدالشکل نمودن حقوق خصوصی» تنظیم گردیده است همانند چارچوب کلی ارجاع «Soft Law» محسوب می‌شود و به خودی خود الزام‌آور نیست.



مدت مرور زمان

بازه مرور زمان در کنوانسیون ۴ سال تعیین شده که زمان آغاز آن، از هنگامی است که ادعا^۱ شکل می‌گیرد. همچنین مبدأ این بازه، با لزوم ارسال هر گونه اخطار به طرف قرارداد منافاتی ندارد و این امر موجب به تعویق افتادن تاریخ آغاز بازه مرور زمان نخواهد گردید. در ماده ۲-۷۲۵ UCC^۲ نیز در ارتباط با مرور زمان، بازه ۴ ساله مورد پذیرش قرار گرفته است و از این نظر با کنوانسیون هماهنگ است.

کنوانسیون میان ادعاهای ناشی از نقض قرارداد، تقلب، نقض تعهد^۳ و قصد عدم ایفای تعهدات قراردادی^۴ (نقض قابل پیش بینی) تفاوت قائل می‌شود. زمان شکل گیری ادعا در هر یک از موارد متفاوت با دیگری است.

مبدأ مرور زمان

در این قسمت مبدأ مرور زمان در مواردی از جمله دعاوی ناشی از نقض قرارداد، عدم انطباق کالا و معیوب بودن، تقلب و نقض تعهد در کنوانسیون مرور زمان و نیز UCC مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

نقض قرارداد

بر اساس بند یک ماده ۱۰ کنوانسیون مرور زمان ادعای ناشی از نقض قرارداد از زمانی آغاز می‌شود که نقض صورت گرفته است. نقض قرارداد در ماده ۱ (۳) (d) مورد توجه قرار گرفته است. از نظر کنوانسیون، نقض قرارداد عبارت است از: «کوتاهی هر یک از طرفین در اجرای قرارداد یا اجرای آن به نحوی که منطبق با قرارداد نباشد».^۵ در بند یک ماده ۱۰، اصطلاح نقض قرارداد به صورت عام به کار رفته است و اگر چه بند دوم این ماده به موضوع عدم انطباق پرداخته است، اما بنا به تعریف ماده ۱۰، اصطلاح نقض قرارداد در بند اول این ماده شامل عدم

1. Claim

2. Sec. 2725. (1) An action for breach of any contract for sale must be commenced within 4 years after the cause of action has accrued. By the original agreement the parties may reduce the period of limitation to not less than 1 year but may not extend it.

3. Breach of Warranty

4. anticipatory repudiation

5. Art 1 (3)(d) "breach of contract" means the failure of a party to perform the contract or any performance not in conformity with the contract.

انطباق نیز می‌گردد (Enderlein & Maskow, 1992; Art10, para1). بنابراین از نظر کنوانسیون عدم انطباق کالا، کوتاهی در اجرای تعهدات و نقض قرارداد محسوب می‌شود و مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که چنین نقضی رخ داده است.

در ماده ۷۲۵-۲ UCC^۱ همانند کنوانسیون مرور زمان، تاریخ آغاز مرور زمان از هنگامی تعیین می‌شود که نقض قرارداد صورت گیرد و از این جهت نیز بین کنوانسیون مرور زمان و UCC اختلافی وجود ندارد (Hill, 1990, pp11,12).

نقض قرارداد اقساطی

قرارداد اقساطی قراردادی است که تعهدات متعدد به‌طور پی در پی و به دفعات اجرا می‌گردد. به عبارت دیگر قرارداد اقساطی قراردادی است که طی آن تحویل کالا در اجزای متفاوت و یا دفعات متعدد ذکر شده باشد (صفایی و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۲۲۲-۲۲۵). اصطلاح قراردادهای اقساطی در حقوق ایران ناظر بر قراردادهایی است که ثمن آن در چند قسط قابل پرداخت است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳) «اما در خصوص قراردادهایی که مبیع بایستی در دفعات متعدد تسلیم شود چنین اصطلاحی رایج نیست. در ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۰ وین در مواردی از واژه بخش به جای قسط استفاده شده است که هر دو عبارت نیز مترادف اصطلاح Instalment می‌باشند» (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۸۴۲).

منظور از قراردادهای اقساطی در این مقاله، قراردادهایی است که تحویل مبیع یا پرداخت ثمن معامله می‌بایست در دفعات متعدد صورت پذیرد. مبنای این مفهوم بند دوم ماده ۱۲ کنوانسیون مرور زمان می‌باشد. در این ماده اشاره شده است که نقض ممکن است از جانب هر یک از طرفین در ارتباط با تحویل بخشی از کالا یا پرداخت بخشی از ثمن صورت پذیرد. این امر حاکی از این است که از نظر کنوانسیون مرور زمان، قراردادهای اقساطی شامل قراردادهایی می‌شود که به هر نحو متضمن پرداخت متعدد ثمن و یا تحویل متعدد مبیع و یا هر دو باشد.

با توجه به بند دوم ماده ۱۲ کنوانسیون مرور زمان، در ارتباط با قراردادهایی که کالا یا ثمن معامله به صورت اقساطی پرداخت می‌شود؛ دو حالت پیرامون زمان آغاز بازه مرور زمان مطرح

1. Sec. 2-725. (1) An action for breach of any contract for sale must be commenced within 4 years after the cause of action has accrued. By the original agreement the parties may reduce the period of limitation to not less than 1 year but may not extend it.

است. در حالت اول اگر بر اساس قانون حاکم بر قرارداد یک طرف محق به اعلام فسخ قرارداد به دلیل چنین نقضی باشد و حق خود را اعمال نماید؛ مرور زمان در رابطه با تمام اقساط ذی ربط از تاریخی شروع خواهد شد که چنین اعلامی به طرف دیگر صورت گیرد.

در حالت دوم، زمانی که طبق قانون حاکم بر قرارداد حق فسخ به دلیل چنین نقضی برای طرف زیان دیده وجود ندارد. در این صورت، مرور زمان در رابطه با هر قسط، جداگانه از تاریخی شروع خواهد شد که آن نقض خاص به وقوع می پیوندد.

برای مثال در صورتی که قانون ملی حاکم بر قراردادی، UCC باشد. طبق ماده ۶۱۲-۱۲ UCC چنین حقی برای طرف قرارداد ایجاد می شود و او می تواند به قرارداد خاتمه دهد. بنابراین در این وضعیت، مرور زمان - طبق ماده ۱۲ کنوانسیون - از هنگام اعلام فسخ به طرف دیگر قرارداد آغاز خواهد شد (Hill, 1990, p13).

اما در UCC هنگام آغاز مرور زمان، در حالتی که حق فسخ بر اثر نقض قرارداد اقساطی ایجاد گردیده و توسط طرف متضرر اعمال شده است؛ از تاریخی محاسبه می شود که ارزش قرارداد بر اثر نقض یا نقض های صورت گرفته به طور اساسی کاهش یافته و به تبع آن قرارداد فسخ گردیده است.

رای دادگاه منطقه ای فدرال^۲ در دعوی میان کربی و کمپانی کرایسلر^۳ نیز مؤید همین موضوع است. به نحوی که دادگاه در رای خود اظهار می دارد که تاریخ ایجاد سبب دعوا از هنگامی است که نقض های متعدد رخ داده و منجر به کاهش اساسی ارزش قرارداد گردیده است نه از زمان هر نقض به طور جداگانه. زیرا که از نظر دادگاه فدرال مبنای فسخ، اثر تجمعی نقض های صورت گرفته، می باشد ("Kirby v. Chrysler Corp," 1982).

یکی از موضوعات مطرح پیرامون ماده ۱۲ کنوانسیون، چگونگی ایجاد حق فسخ برای طرف زیان دیده می باشد. بنا به تفسیر رسمی کنوانسیون مرور زمان؛ ایجاد حق فسخ برای طرف زیان دیده ناشی از عدم اجرای اقساط متعدد است. به عبارت دیگر، این اثر تجمعی نقض های

1. Sec 2612 (3) Whenever nonconformity or default with respect to one or more installments substantially impairs the value of the whole contract there is a breach of the whole. But the aggrieved party reinstates the contract if he accepts a nonconforming installment without seasonably notifying of cancellation or if he brings an action with respect only to past installments or demands performance as to future installments.

2. Federal District Court

3. Kirby vs. Chrysler Corp

متعدد است که موجب ایجاد حق فسخ قرارداد برای طرف زیان دیده می‌شود (UNCITRAL & Sono, 1988; Art12, para 8).

اگر چه در تفسیر سبب ایجاد حق فسخ در قراردادهای اقساطی میان تفسیر کنوانسیون و رای دادگاه فدرال هماهنگی وجود دارد اما در ارتباط با هنگام آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از نقض قرارداد اقساطی تفاوت‌هایی مطرح است. زیرا که کنوانسیون هنگام آغاز مرور زمان در ارتباط با حالتی که طبق قانون حاکم بر قرارداد حق فسخ وجود دارد را از تاریخ اعلام فسخ محاسبه می‌نماید در حالی که طبق ماده ۲-۷۲۵ UCC و رای دادگاه فدرال در دعوی کربی علیه کمپانی کرایسلر هنگام آغاز مرور زمان در حالت ذکر شده از هنگامی خواهد بود که نقض‌های متعدد رخ داده و منجر به کاهش اساسی ارزش قرارداد گردیده است.

عدم انطباق کالا و معیوب بودن

در بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مرور زمان؛^۱ ادعای ناشی از عیب یا سایر موارد عدم انطباق کالا در تاریخی ایجاد می‌گردد که کالا در آن تاریخ به‌طور واقعی و کامل تسلیم خریدار شده باشد و یا اینکه خریدار از قبول آن خودداری نموده باشد. عبارت «ادعای ناشی از عیب یا سایر موارد عدم انطباق»^۲ که در بند دوم ماده ۱۰ مطرح گردیده به قدری گسترده است که هر گونه عدم انطباق کالا با مفاد قرارداد را در بر می‌گیرد.

یکی از مسائل مهمی که در بیع بین‌المللی کالا مورد اختلاف است و دعاوی زیادی از آن نشات می‌گیرند، موضوع تسلیم واقعی^۳ کالا به خریدار است.

چه زمانی کالا به‌طور واقعی تسلیم خریدار می‌شود؟ آیا تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل تسلیم واقعی محسوب می‌شود؟ همچنین این پرسش که آیا تسلیم واقعی لزوماً باید در محل و زمان مورد توافق طرفین در قرارداد صورت گیرد، مطرح است.

در تفسیر بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مرور زمان، مفسران فارغ از اینکه تسلیم در محل و زمان مورد توافق صورت می‌گیرد یا خیر؛ معتقدند که تسلیم واقعی زمانی تحقق می‌یابد که شرایطی ایجاد شود که طی آن شرایط، کالا تحت کنترل واقعی خریدار قرار گیرد. بنا به این نظر، تسلیم واقعی

1. (2) A claim arising from a defect or other lack of conformity shall accrue on the date on which the goods are actually handed over to, or their tender is refused by, the buyer.

2. a claim arising from a defect or other lack of conformity

3. Actually handed over to

زمانی محقق می‌شود که خریدار قادر به بازرسی واقعی کالا باشد، در غیر اینصورت، نمی‌توان ادعا کرد که تسلیم واقعی کالا صورت پذیرفته است (UNCITRAL & Sono, 1988; Art10, para4). یکی از ابهاماتی که پیرامون تسلیم واقعی کالا مطرح می‌شود، اینکوترمز مورد توافق در قرارداد است، برای مثال، بر اساس اینکوترمز FOB ۲۰۱۰ کالا بر روی عرشه کشتی تحویل متصدی حمل و نقل می‌شود، در این قرارداد، ریسک کالا تا هنگام بارگیری و ورود کالا بر روی عرشه کشتی با فروشنده است و از آنجا به بعد ریسک کالا بر عهده خریدار خواهد بود. موضوعی که در اینجا مطرح نظر بوده، انتقال ریسک می‌باشد و واضح است که انتقال ریسک کالا تسلیم واقعی محسوب نمی‌شود. به عبارتی، اگر چه ریسک کالا از زمان ورود کالا به عرشه کشتی به خریدار منتقل گردیده، اما تا زمان تسلیم کامل کالا به مشتری و ایجاد امکان بازرسی از کالا توسط وی، تسلیم واقعی محقق نگردیده است.

در مقررات UCC مبدأ مرور زمان در ارتباط با ادعای ناشی از عدم انطباق کالا، به‌طور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است. در رأی که یکی از دادگاه‌های منطقه ای ایالت پنسیلوانیا^۱ در رابطه با هنگام آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از تحویل کالای معیوب، صادر نموده است، دادگاه اظهار می‌دارد که مبنای ادعای فسخ ناشی از تحویل معیوب کالا در تاریخی ایجاد گردیده که کالا تسلیم خریدار شده است. خریدار در مقابل به نقض تعهد توسط فروشنده اشاره نموده و اظهار داشته که فروشنده تابلوی نقاشی را به او تحویل داده که اثر هنرمند مورد نظر نبوده، او پس از گذشت پنج سال نسبت به این موضوع واقف گردیده است. دادگاه در نهایت با اعمال ماده ۲-۷۲۵ UCC اظهار نموده که بازه مرور زمان در این دعوا از تاریخ تسلیم کالا به خریدار آغاز گردیده است و به دلیل سپری شدن بازه چهار ساله مرور زمان امکان اقامه چنین دعوایی با مانع قانونی روبرو می‌باشد ("Firestone & Parson v. Union League of Philadelphia," 1987).

نظر دادگاه منطقه‌ای پنسیلوانیا مبتنی بر عدم پذیرش «قاعده‌ی کشف» در نظام حقوقی این کشور می‌باشد، این در حالی است که اگر در این دعوا، قانون یکی از کشورهای اروپای قاره‌ای حاکم بود، قاضی با اعمال قاعده کشف به دعوی خریدار رسیدگی می‌نمود. اگر چه این موضوع به‌طور صریح در UCC مورد بیان قرار نگرفته اما عملکرد کنوانسیون در این رابطه با تفسیر قضایی ماده ۲-۷۲۵ UCC سازگار است (Hill, 1990, pp 15,16).

1. Pennsylvania



تقلب

در بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون^۱ پیرامون زمان آغاز بازه مرور زمان در مواردی که ادعا مبتنی بر تقلبی باشد که در زمان انعقاد، پیش از آن و یا در زمان اجرا صورت پذیرفته است، مرور زمان از تاریخی آغاز می‌شود که تقلب در آن تاریخ کشف گردیده یا انتظار می‌رفته که کشف شود. در مقررات UCC، قاعده کشف تنها در ارتباط با تقلب اجرا می‌شود، به طوری که بازه مرور زمان در صورتی که مبنای دعوا تقلب یکی از طرفین قرارداد باشد، هنگامی آغاز می‌شود که طرف دیگر از آن مطلع شود و یا به طور معقول می‌بایست مطلع شده باشد. در این ارتباط نیز UCC با مقررات کنوانسیون سازگار است. البته این مقررات زمانی که دعوای تقلب برای جبران خسارت به طور مستقل اقامه گردد، اعمال نمی‌شود (Hill, 1990, p 16).

نقض تعهد

یکی از تفاوت‌های مهم و حائز اهمیت میان مقررات کنوانسیون و UCC، به زمان آغاز بازه مرور زمان در ادعای ناشی از نقض تعهد^۲ باز می‌گردد.

در ماده ۱۱ کنوانسیون مرور زمان پیرامون نقض تعهد بیان می‌دارد:

«هرگاه فروشنده به طور صریح تعهدی در خصوص کالا نموده و برای آن تعهد، مدتی را خواه به صورت یک دوره مشخص یا غیر آن ذکر کرده باشد، مرور زمان در ارتباط با هر ادعای ناشی از تعهد مذکور از تاریخی شروع خواهد شد که خریدار در آن تاریخ، سبب مبنای ادعای خود را به فروشنده اعلام نماید. با این وجود تاریخ شروع مرور زمان به هر صورت موخر بر تاریخ انقضای مدت تعهد نخواهد بود».^۳

کنوانسیون مرور زمان در این ماده اختیار نسبتاً وسیعی به خریدار می‌دهد و تاریخ آغاز مرور زمان را منوط به اعلام سبب مبنای ادعای خریدار، توسط وی به فروشنده می‌نماید. البته این

1.(3) A claim based on fraud committed before or at the time of the conclusion of the contract or during its performance shall accrue on the date on which the fraud was or reasonably could have been discovered.

۲. منظور از نقض تعهد، نقض تعهد فرعی است.

3. Art 11: If the seller has given an express undertaking relating to the goods which is stated to have effect for a certain period of time, whether expressed in terms of a specific period of time or otherwise, the limitation period in respect of any claim, arising from the undertaking shall commence on the date on which the buyer notifies the seller of the fact on which the claim is based, but not later than on the date of the expiration of the period of the undertaking.

اعلام می‌بایست حداکثر تا پایان دوره تعهد فروشنده صورت گیرد، در غیر این صورت؛ تاریخ آغاز مرور زمان از پایان آخرین روز دوره تعهد خواهد بود (UNCITRAL & Sono, 1988; Art11, para1,2).

بر خلاف کنوانسیون، ماده (۲) ۷۲۵-۲ UCC، تاریخ آغاز مرور زمان در نقض تعهد^۲ را از زمان تحویل کالا به مشتری می‌داند، حتی اگر در زمان تحویل، عیب مورد ادعا قابل کشف نبوده باشد (Hill, 1990, p. 18). به عبارتی دیگر، بر اساس این ماده، زمان نقض تعهد از تاریخ تحویل کالا محاسبه می‌شود و بدین ترتیب، UCC بر خلاف کنوانسیون تعیین تاریخ آغاز نقض تعهد را به اختیار خریدار واگذار ننموده است.

UCC «قاعده کشف»^۳ در نظام کامن لو را نپذیرفته است. بر اساس این قاعده در کامن لو^۴ مرور زمان از تاریخی آغاز می‌شود که عیب در آن تاریخ کشف گردیده و یا می‌بایست کشف شده باشد. البته استثنایی را پیرامون رد «قاعده کشف» مطرح می‌کند.

قراردادهایی که اجرای آنها موکول به آینده گردیده است از عدم اعمال این قاعده مستثنی می‌شوند و مقررات UCC در این ارتباط «قاعده کشف» را اعمال می‌کند. این استثنا موجب می‌شود تا در اینگونه قراردادها، مرور زمان از تاریخی آغاز شود که در آن تاریخ، نقض قرارداد کشف شده و یا می‌بایست کشف شده باشد. دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا این استثنا را به‌طور محدود تفسیر می‌کنند به‌طوری که در یکی از آرای دادگاه فدرال، دادگاه اظهار می‌کند، اگر تعهدی جهت اجرا در آینده صورت گرفته باشد، این امر می‌بایست به صراحت ذکر شود ("Frey Dairy v. AO Smith Harvestore Products, Inc," 1988).

نقض قابل پیش‌بینی قرارداد

اصطلاح نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در مقابل نقض واقعی مطرح می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که یکی از طرفین قرارداد پیش از فرارسیدن زمان اجرای تعهد، قصد خود مبنی بر عدم

1. Sec 2725 (2) A cause of action accrues when the breach occurs, regardless of the aggrieved party's lack of Knowledge of the breach. A breach of warranty occurs when tender of delivery is made, except that where a warrant explicitly extends to future performance of the goods and discovery of the breach must await the time of such performance the cause of action accrues when the breach is or should have been discovered.

2. Breach of Warranty

3. Discovery Rule

4. Common Law

اجرای قرارداد را به طور صریح یا ضمنی به طرف دیگر اعلام نماید. این نقض؛ نقض احتمالی، نقض پیش بینی شده و نقض فرضی نیز نامیده می شود (رفیعی، ۱۳۹۳، ص ۸۲).

مقررات مربوط به نقض قابل پیش بینی قرارداد^۱ در بند اول ماده ۱۲ کنوانسیون مرور زمان مطرح گردیده است.

ماده ۱۲ (۱):

“اگر طبق شرایط مقرر در قانون حاکم بر قرارداد، یکی از طرفین محق به اعلام فسخ قرارداد پیش از فرا رسیدن موعد اجرای آن باشد و طرف مزبور آن حق را اعمال نماید، مرور زمان در ارتباط با ادعای مبتنی بر هر یک از شرایط مذکور از تاریخی شروع خواهد شد که اعلام فسخ به طرف دیگر صورت می گیرد. اگر اعلام فسخ قبل از موعد مقرر برای اجرا، صورت نگیرد مرور زمان از تاریخ مقرر برای اجرا شروع می شود.”^۲

طبق این ماده، اگر یکی از طرفین بر اساس قانون حاکم بر قرارداد بتواند قرارداد را پیش از رسیدن موعد اجرا فسخ نماید، مرور زمان از تاریخ اعلام فسخ به طرف دیگر قرارداد آغاز می گردد. برای مثال در قراردادی که در تاریخ اول ژانویه منعقد گردیده است و طی آن فروشنده متعهد گردیده که کالا را در تاریخ یک سپتامبر تحویل خریدار دهد، فروشنده در تاریخ دوازدهم آوریل بدون عذر موجه به خریدار اعلام می کند که قادر به تهیه کالا طبق قرارداد نیست و در مقابل خریدار - که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد دارای چنین حقی است - در تاریخ هشت آگوست فسخ قرارداد به دلیل پیش بینی عدم ایفای تعهد را به فروشنده اعلام می کند. در این مثال، تاریخ شروع مرور زمان هشتم آگوست خواهد بود.

در ارتباط با وجود حق فسخ ناشی از نقض قابل پیش بینی قرارداد در مقررات UCC و CISG باید اذعان نمود که ماده ۶۰۹-۲ UCC و همچنین بخش اول ماده ۷۱ CISG مؤید وجود این حق هستند (Hill, 1990, p. 20).

1. anticipatory repudiation

2. Art 12: If, in circumstances provided for by the law applicable to the contract, one party is entitled to declare the contract terminated before the time for performance is due, and exercises this right, the limitation period in respect of a claim based on any such circumstances shall commence on the date on which the declaration is made to the other party. If the contract is not declared to be terminated before performance becomes due, the limitation period shall commence on the date on which performance is due.

3. Sec. 2609. (4) After receipt of a justified demand failure to provide within a reasonable time not exceeding 30 days such assurance of due performance as is adequate under the circumstances of the particular case is a repudiation of the contract.

در مجموع، زمانی که قانون حاکم بر قرارداد اعمال حق فسخ ناشی از نقض قابل پیش بینی قرارداد را در نظر گرفته باشد و طرف قرارداد (طرف زیان دیده)، مبنای معقول و متعارفی برای باور به عدم اجرای قرارداد در موعد مشخص توسط طرف دیگر داشته باشد، ممکن است یکی از دو روشی را که کنوانسیون مرور زمان تعیین نموده است انتخاب نماید.

در حالت اول، او می تواند فسخ قرارداد را به طرف دیگر اعلام نماید که در این صورت، مرور زمان از تاریخ اعلام فسخ به طرف قرارداد آغاز می شود، که در مثال ذکر شده، با این ترتیب؛ تاریخ آغاز مرور زمان هشتم آگوست خواهد بود.

در حالت دوم، ممکن است طرفی که محق به اعمال حق فسخ ناشی از نقض قابل پیش بینی قرارداد می باشد (طرف زیان دیده)؛ از اعمال چنین حقی، چشم پوشی نماید که در این صورت، تاریخ آغاز مرور زمان، موعد اجرای قرارداد خواهد بود. در مثالی که ذکر گردید اگر طرف زیان دیده، حق فسخ خود را اعمال نکند، تاریخ آغاز مرور زمان یکم سپتامبر خواهد بود.

با توجه به تفسیر قضایی ذیل ماده ۲-۷۲۵ UCC پیرامون پیش بینی نقض قرارداد، طرف زیان دیده نمی تواند با اعمال یا صرف نظر از اعمال حق فسخ ناشی از پیش بینی نقض تعهد، تاریخ آغاز مرور زمان را تغییر دهد. دادگاه یازدهم منطقه ای ایالات متحده آمریکا در مخالفت با یکی از طرفین دعوا که برای تاریخ آغاز مرور زمان به ماده ۲-۶۱۰^۱ UCC استناد می کرد؛ اظهار داشت که ماده ۲-۶۱۰ تأثیری بر تاریخ شروع مرور زمان ندارد. بنابر این، اگر چه بر اساس این ماده، طرف زیان دیده می تواند قرارداد را فسخ نماید یا برای مدت زمان معقول و متعارفی منتظر اجرای قرارداد باشد، اما در مجموع این امر بر تاریخ آغاز مرور زمان تأثیری ندارد ("American Cyanamid Co. v. Mississippi Chemical Corp.", 1987).

مرور زمان، از تاریخی آغاز می شود که یکی از طرفین به دیگری عدم اجرای قرارداد را اعلام کند؛ خواه طرف دیگر حق فسخ خود را اعمال نماید یا اینکه برای مدت زمانی که در عرف تجاری معقول و متعارف است منتظر اجرای قرارداد بماند. بنابر این، در ارتباط با ادعای ناشی از پیش بینی نقض قرارداد، بین مقررات UCC و کنوانسیون مرور زمان تفاوت وجود دارد.

1. Sec. 2-610. When either party repudiates the contract with respect to a performance not yet due the loss of which will substantially impair the value of the contract to the other, the aggrieved party may (a) for a commercially reasonable time await performance by the repudiating party; or.....

مدت و مبدأ مرور زمان در کنوانسیون مرور زمان در مقایسه با اصول یونیدغای ۲۰۱۰ (UNIDROIT 2010) و چارچوب کلی ارجاع (DCFR)

در این گفتار مدت مرور زمان و به تعبیری بازه مرور زمان و همچنین مبدأ مرور زمان در یونیدغای ۲۰۱۰ (UNIDROIT 2010) و نیز چارچوب کلی ارجاع (DCFR) در مقایسه با کنوانسیون مرور زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدت مرور زمان

بازه مرور زمان در UNIDROIT 2010 در ماده ۲-۱۰^۱ و در DCFR در کتاب سوم ماده ۲۰۱-۲۷^۲ سه سال تعیین شده است در حالی که مرور زمان در کنوانسیون چهار سال تعیین گردیده است. این تفاوت در بازه مرور زمان، ناشی از اختلاف نظری بود که در زمان تدوین کنوانسیون پیرامون مدت مرور زمان میان کشورهای توسعه یافته از یک سو و کشورهای در حال توسعه از سوی دیگر وجود داشت. کشورهای در حال توسعه تمایل داشتند تا مدت مرور زمان در کنوانسیون طولانی‌تر باشد و در مقابل کشورهای توسعه یافته صنعتی از بازه‌های کوتاه زمانی حمایت می‌کردند که در نهایت، کنوانسیون مرور زمان در مقام جمع نظرات و ایجاد توافق، بازه زمانی چهار سال را برای مرور زمان تعیین نمود (Hartkamp, Hesselink, Hondius, Mak, & Perron, 2011, pp 722,723).

مبدأ مرور زمان

در این قسمت مبدأ مرور زمان در مواردی از جمله در ادعای ناشی از نقض قرارداد، عدم انطباق کالا و معیوب بودن، تقلب و نقض تعهد؛ براساس مقررات کنوانسیون مرور زمان، UNIDROIT 2010 و DCFR مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نقض قرارداد

بر اساس مقررات کنوانسیون، مرور زمان در ارتباط با ادعای ناشی از نقض قرارداد از هنگام نقض آغاز خواهد شد. در UNIDROIT 2010 طبق ماده ۲-۱۰^۳ تاریخ آغاز مرور زمان از

1. Art 10-2: The general limitation period is three years beginning on the day after the day the obligee knows or ought to know the facts as a result of which the obligee's right can be exercised.

2. III 7-201: The general period of prescription is three years.

3. Art 10-2: (1) The general limitation period is three years beginning on the day after the day the obligee knows or ought to know the facts as a result of which the obligee's right can be exercised.

هنگامی است که متعهدله از واقعیتی که بر اساس آن می‌تواند حق خود را اعمال نماید، آگاهی یابد یا می‌بایست آگاهی یافته باشد.

البته با توجه به بند دوم ماده ۲-۱۰ در هر صورت بازه مرور زمان از ده سال تجاوز نخواهد نمود. براساس تفسیر ذیل ماده ۲-۱۰، منظور از «واقعیات»^۲ در این ماده، اموری می‌باشد که حق متعهدله، براساس آنها ایجاد گردیده است. مانند: تشکیل قرارداد، تعهد به تحویل کالا، تعهد به ارائه ی خدمات و یا عدم اجرا تعهد (6 UNIDROIT, 2010; Art 10.2, para).

این موضوع در مقررات DCFR نیز شرایطی مشابه با UNIDROIT ۲۰۱۰ دارد. در کتاب سوم ماده ۲۰۳-۲۷^۳ DCFR، تاریخ آغاز مرور زمان را از موعدی محاسبه می‌نماید که متعهد در آن موعده می‌بایست دین خود را ادا نماید و همچنین در ارتباط با ادعای خسارت، تاریخ آغاز مرور زمان از هنگامی خواهد بود که مبنای چنین حقی برای متضرر ایجاد گردیده است.

آنچه در این ماده می‌بایست مورد توجه قرار گیرد مفهوم واژگان «Debtor» و «Creditor» است. از آنجا که ممکن است این واژگان از نظر مفهومی دارای ابهام باشند؛ در کتاب اول ماده ۱۰۸-۴^۴ به تعاریف مفاهیم موجود در مواد DCFR اشاره می‌کند که در ضمیمه سند مذکور آمده است. با توجه به این تعاریف، منظور از «Debtor» شخصی است که تعهدی به نفع «Creditor» - متعهدله - نموده است، اعم از اینکه تعهد به پرداخت وجه نقد و یا انجام کاری برای او باشد. مقررات DCFR بلافاصله در کتاب سوم ماده ۳۰۱-۵^۵ بیان می‌دارد که بازه مرور زمان تا هنگامی که متعهدله مطلع شود و یا به طور معقول و متعارف انتظار رود که مطلع شده باشد؛ آغاز نخواهد شد و به حالت تعلیق باقی می‌ماند. به عبارت دقیق‌تر، مرور زمان از هنگام

1. Art 10-2: (2) In any event, the maximum limitation period is ten years beginning on the day after the day the right can be exercised.

2. Facts

3. III 7-203: The general period of prescription begins to run from the time when the debtor has to affect performance or, in the case of a right to damages, from the time of the act which gives rise to the right.

4. I. - 1:108: Definitions in Annex

(1) The definitions in the Annex apply for all the purposes of these rules unless the context otherwise requires.

(2) Where a word is defined, other grammatical forms of the word have a corresponding meaning.

5. III 7-301: The running of the period of prescription is suspended as long as the creditor does not know of, and could not reasonably be expected to know of:

(a) the identity of the debtor; or

(b) The facts giving rise to the right including, in the case of a right to damages, the type of damage.



نقض قرارداد آغاز می‌شود اما تا هنگام آگاهی یافتن متعهدله و یا انتظار معقول مبنی بر اطلاع وی از نقض قرارداد، به حالت تعلیق باقی خواهد ماند.

البته لازم به ذکر است که در ماده ۳۰۷-۱۷ از کتاب سوم DCFR، مدت زمانی به عنوان حداکثر بازه مرور زمان تعیین شده است که بر اساس این ماده، بازه مرور زمان در هر صورت بیش از ده سال نخواهد بود، مگر در ارتباط با آسیب‌های جسمانی که امکان افزایش مدت مرور زمان تا سی سال نیز وجود دارد.

یکی از تفاوت‌های اساسی میان مقررات کنوانسیون مرور زمان و DCFR و ۲۰۱۰ UNIDROIT اعمال معیار «کشف»- اعم از عینی و شخصی- برای آغاز مرور زمان در این اسناد است، که ارتباط مستقیمی نیز با تعیین بازه نسبتاً کوتاه سه ساله مرور زمان در دو سند اخیر دارد. مدت سه ساله مرور زمان باعث می‌شود تا منافع متعهد مورد حمایت قانون قرار گیرد و دعاوی بعد از سپری شدن این زمان در دادگاه مسموع نباشد، بدین نحو از ایجاد شرایط عدم اطمینان و امکان اقامه دعوا در مدت زمان طولانی علیه متعهد جلوگیری می‌شود. از سویی دیگر، با اعمال معیار کشف، به نوعی میان منافع متعهد و متعهدله توازن ایجاد می‌گردد. چرا که به‌طور معقول زمانی می‌توان انتظار داشت که حقی مشمول مرور زمان گردد که صاحب حق از وجود آن اطلاع داشته باشد و یا حسب شرایط می‌بایست مطلع بوده باشد (UNIDROIT, 2010 Art 10.2, para 3 & DCFR, 2009 Art7.203, p 1178).

بنابراین، بر اساس مقررات DCFR و ۲۰۱۰ UNIDROIT تاریخ آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از نقض قرارداد از هنگامی آغاز می‌گردد که متعهدله از نقض آگاهی یابد. اما همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره گردید؛ در کنوانسیون مرور زمان، تاریخ آغاز این بازه در ادعای ناشی از نقض قرارداد از هنگامی است که نقض صورت گرفته است. در نتیجه در این موضوع، مقررات موجود در دو سند مذکور با مقررات کنوانسیون هماهنگ نیستند.

نقض قرارداد اقساطی

در بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون، پیرامون نقض قراردادهای اقساطی دو حالت متصور است.

1. III 7-307: The period of prescription cannot be extended, by suspension of its running or postponement of its expiry under this Chapter, to more than ten years or, in case of rights to damages for personal injuries, to more than thirty years. This does not apply to suspension under III. – 7:302 (Suspension in case of judicial and other proceedings).

حالتی که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد، چنین نقضی موجب ایجاد حق فسخ برای طرف قرارداد است و حالت دیگر، شرایطی است که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد چنین حقی برای طرف متضرر وجود ندارد.

بر اساس کنوانسیون در حالت اول اگر متعهدله به دلیل چنین نقضی، قرارداد را فسخ نماید؛ تاریخ آغاز مرور زمان از هنگامی است که فسخ قرارداد به طرف دیگر اعلام می‌شود. در حالت دوم که چنین حقی وجود ندارد؛ تاریخ آغاز مرور زمان از هنگام هر نقض به‌طور جداگانه آغاز و محاسبه می‌گردد.

ماده ۲۰۳-۷ از کتاب سوم^۱ DCFR، در رابطه با قراردادهای اقساطی مقرر می‌دارد: «زمانی که متعهد، تعهد به اجرا یا عدم اجرای تعهدی به‌طور مستمر نموده است، تاریخ آغاز مرور زمان در ارتباط با هر تعهد از هنگام نقض آن آغاز می‌شود».

تا اینجا به نظر می‌رسد مقررات کنوانسیون در حالتی که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد، حق فسخ برای متضرر ایجاد نشده یا اعمال نشده، با مقررات DCFR هماهنگ است. اما با توجه به ماده ۳۰۱-۷، تاریخ آغاز مرور زمان در ارتباط با هر نقض از هنگامی است که متعهدله از سبب آن آگاهی یابد یا انتظار می‌رفته که مطلع شده باشد (با رعایت ماده ۳۰۷-۷).

بنابراین، در شرایطی که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد چنین نقضی منجر به ایجاد حق فسخ برای طرف دیگر نگردد؛ با توجه به مقررات DCFR، تاریخ آغاز مرور زمان از هنگامی خواهد بود که متعهدله از نقض تعهد مطلع شده باشد و یا حسب شرایط می‌بایست مطلع می‌شده است.

در ۲۰۱۰ UNIDROIT نیز تفسیر ماده ۲-۱۰، پیرامون قراردادهای اقساطی، تاریخ آغاز مرور زمان در ارتباط با هر قسط را از هنگام اطلاع یافتن - واقعی یا فرضی - متعهدله محاسبه می‌نماید. (با رعایت بند ۲ ماده ۲-۱۰) (UNIDROIT, 2010; Art 10.2, para p8).

این در حالی است که طبق مقررات کنوانسیون، مرور زمان فارغ از مطلع بودن یا نبودن متعهدله - از هنگام عدم اجرای هر قسط آغاز می‌شود. بنابراین، در شرایط مذکور، ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR با مقررات کنوانسیون هماهنگ نیستند. همان‌طور که اشاره گردید حالت

1. (2) Where the debtor is under a continuing obligation to do or refrain from doing something, the general period of prescription begins to run with each breach of the obligation.

دیگری نیز در کنوانسیون مورد شناسایی قرار گرفته و آن زمانی است که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد حق فسخ وجود دارد.

اگر قانون حاکم بر قرارداد، هر یک از مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT یا DCFR باشد؛ در این شرایط، بر اساس ماده ۱-۳-۷ UNIDROIT^۱ و ۳-۵۰۲ از کتاب سوم DCFR^۲، در صورتی که عدم اجرای هر قسط منجر به نقض اساسی قرارداد گردد، طرف زیان دیده می تواند قرارداد را فسخ نماید.

این مورد در بند دوم ماده ۱۲ کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است. بند دوم این ماده مقرر می دارد: «... اگر طبق قانون حاکم بر قرارداد یک طرف محق به اعلام فسخ قرارداد به دلیل چنین نقضی باشد و طرف مزبور حق خود را اعمال نماید، مرور زمان در رابطه با تمام اقساط ذیربط از تاریخی شروع خواهد شد که چنین اعلامی به طرف دیگر صورت گیرد».

با توجه به ماده ۲-۳-۷ UNIDROIT^۳ و بند یک ماده ۳-۵۰۸ از کتاب سوم DCFR^۴ اعلام فسخ قرارداد در مواردی که چنین حقی وجود دارد می بایست در زمان معقول و متعارفی صورت پذیرد، در غیر این صورت، متعهدله نمی تواند قرارداد را فسخ نماید و این حق را از دست می دهد. در تفسیر ماده ۲-۳-۷ UNIDROIT^۵ نیز پیرامون «زمان معقول و متعارف» بیان گردیده است که این زمان با توجه به شرایط موجود تعیین می گردد (UNIDROIT,

1.7.3.1- (1) A party may terminate the contract where the failure of the other party to perform an obligation under the contract amounts to a fundamental non-performance.

2. III-3:502: Termination for fundamental non-performance

(1) A creditor may terminate if the debtor's non-performance of a contractual obligation is Fundamental.

(2) A non-performance of a contractual obligation is fundamental if:

(a) it substantially deprives the creditor of what the creditor was entitled to expect under the contract, as applied to the whole or relevant part of the performance, unless at the time of conclusion of the contract the debtor did not foresee and could not reasonably be expected to have foreseen that result; or

(b) it is intentional or reckless and gives the creditor reason to believe that the debtor's future performance cannot be relied on.

3.7.3.2: (1) The right of a party to terminate the contract is exercised by notice to the other party.

(2) If performance has been offered late or otherwise does not conform to the contract the aggrieved party will lose its right to terminate the contract unless it gives notice to the other party within a reasonable time after it has or ought to have become aware of the offer or of the non-conforming performance.

4. III- 3:508 : (1) If performance has been tendered late or a tendered performance otherwise does not conform to the contract the creditor loses the right to terminate under this Section unless notice of termination is given within a reasonable time.



3 (2010; Art7.3.2, para 3).

به این ترتیب، متعهدله نمی‌تواند هر زمان که مایل بود قرارداد را فسخ کند بلکه می‌بایست در زمان معقول و متعارفی نسبت به اعمال حق خود اقدام نماید. در این حالت با توجه به مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR هنگام آغاز مرور زمان از تاریخی مورد محاسبه قرار خواهد گرفت که طرف متضرر از وجود چنین حقی مطلع شده یا می‌بایست مطلع شده باشد. به عبارتی از زمانی که متعهدله از چنین نقضی - به‌طور عینی یا شخصی - آگاهی یافته است. بدین نحو، شخص متضرر نمی‌تواند تاریخ آغاز مرور زمان را تا هر وقتی که مایل بود طولانی نماید (ZIMMERMANN, 2004, pp. 97,105).

چرا که هنگام آغاز مرور زمان بر اساس مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR از تاریخی محاسبه می‌شود که متعهدله از نقض اساسی مطلع و یا می‌بایست مطلع شده و امکان قانونی اعلام فسخ را داشته باشد. البته باید توجه داشت که این امر مختص زمانی است که طرف متضرر قرارداد را فسخ نماید در غیر این صورت، مرور زمان در ارتباط با هر قسط به‌طور جداگانه محاسبه می‌گردد. بنابراین، در این حالت نیز میان مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR از یک سو و مقررات کنوانسیون از سوی دیگر تفاوت وجود دارد.

عدم انطباق کالا و معیوب بودن

طبق بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مرور زمان؛ ادعای ناشی از عیب یا سایر موارد عدم انطباق کالا در تاریخی ایجاد می‌گردد که کالا در آن زمان به‌طور واقعی و کامل تسلیم خریدار گردیده و یا اینکه خریدار از قبول آن خودداری نموده باشد.

بنابراین، هنگام آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از عدم انطباق کالا از تاریخ تسلیم واقعی کالا به خریدار محاسبه می‌گردد و همچنین در صورتی که فروشنده کالا را تحویل دهد اما خریدار از قبول آن خودداری نماید، مرور زمان از هنگام تحویل فروشنده آغاز خواهد شد.

عبارت «ادعای ناشی از عیب یا سایر موارد عدم انطباق» که در بند دوم ماده ۱۰ مطرح گردیده به قدری گسترده است که هرگونه عدم انطباق کالا با مفاد قرارداد را در بر می‌گیرد.

(UNCITRAL & Sono, 1988; 10.2, para 2)

در مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR نیز مقررات مشابهی با این تفسیر از ماده ۱۰ در

ارتباط با عدم اجرای تعهد وجود دارد. با عنایت به ماده ۱-۱-۱-۲۰۱۰ UNIDROIT^۱: «عدم اجرای تعهد شامل کوتاهی هر یک از طرفین در اجرای تعهدات قراردادی می‌باشد که شامل اجرای ناقص و تأخیر در اجرای قرارداد می‌باشد».

همچنین، در تعاریف ضمیمه DCFR، که در ماده ۱۰۸-۱^۲ از کتاب اول DCFR مورد اشاره قرار گرفته است؛ عدم اجرای تعهد شامل اجرای ناقص و تأخیر در اجرای قرارداد نیز می‌شود. با توجه به توضیحات ارائه شده و مواد ۲۰۳-۷ و ۳۰۱-۷ از کتاب سوم DCFR و ماده ۲-۱۰ UNIDROIT ۲۰۱۰ در ادعای ناشی از عدم اجرای تعهد، مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که متعهدله از نقض تعهد آگاهی یابد یا حسب شرایط می‌بایست مطلع شده باشد. البته این بازه زمانی در هر صورت بیش از ۱۰ سال نخواهد بود.

بنابراین، مقررات کنوانسیون در ارتباط با تاریخ آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از اجرا ناقص قرارداد با دو سند UNIDROIT ۲۰۱۰ & DCFR سازگار و هماهنگ نیست.

تفاوت موجود میان کنوانسیون از یک سو و مقررات DCFR و UNIDROIT 2010 از سوی دیگر، از نظر تاریخی و ماهوی قابل توجیه است. بر اساس کنوانسیون، تاریخ شکل‌گیری ادعای ناشی از عیب یا سایر موارد عدم انطباق از زمان تسلیم واقعی کالا به خریدار خواهد بود که بدین ترتیب، تاریخ آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از عدم انطباق و عیب از هنگام تسلیم کالا به خریدار می‌باشد. این سازوکار، مناسب قراردادهای بیع کالا می‌باشد چرا که در قراردادهای بیع کالا، معمولاً بررسی کالا در هنگام تحویل و یا در نهایت، در مدت زمان کوتاهی پس از تسلیم کالا امکان پذیر است و مقررات کنوانسیون مرور زمان از این جهت کاملاً با خصوصیات قراردادهای بیع کالا سازگار و متناسب است.

اما در DCFR و UNIDROIT ۲۰۱۰ تنها قراردادهای بیع کالا مد نظر قرار نگرفته، بلکه در هنگام تدوین این اسناد، قراردادهای خرید خدمات^۳ نیز مورد توجه تدوین کنندگان بوده است. با توجه به اینکه غالباً در اینگونه قراردادها عیب و یا سایر موارد عدم انطباق، بعد از مدت نسبتاً

1. Non-performance is failure by a party to perform any of its obligations under the contract, including defective performance or late performance.

2. I. – 1:108: Definitions in Annex

(1) The definitions in the Annex apply for all the purposes of these rules unless the context otherwise requires.

(2) Where a word is defined, other grammatical forms of the word have a corresponding meaning.

3. Service Contracts

طولانی پس از اجرای قرارداد بروز می نمایند، در نتیجه قاعده موجود در کنوانسیون نمی تواند ترتیب مناسبی جهت تاریخ آغاز مرور زمان برای این قبیل قراردادها باشد (Hartkamp et al., 2011, p. 723).

تقلب

بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون پیرامون هنگام آغاز بازه مرور زمان در مواردی که ادعا مبتنی بر تقلبی باشد که در زمان انعقاد، پیش از آن و یا در هنگام اجرا صورت پذیرفته است، مرور زمان از تاریخی محاسبه می شود که تقلب در آن تاریخ کشف گردیده یا انتظار می رفته که کشف شده باشد.

در مقررات DCFR بند یک ماده ۲۰۵-۷ از کتاب دوم مقرر می دارد: «در صورتی که یکی از طرفین قرارداد» با اظهارات متقلبانه خلاف واقع» از طریق گفتار و یا رفتار خود درصدد فریب طرف دیگر برای انعقاد قرارداد برآید و یا به طور متقلبانه از افشای اطلاعاتی که بر اساس حسن نیت و معامله منصفانه می بایست افشا نماید یا بیان هر گونه اطلاعات پیش قراردادی امتناع ورزد؛ طرف دیگر می تواند بطلان قرارداد را اعلام نماید».

ماده ۲-۳-۲۰۱۰ UNIDROIT نیز دارای مقررات مشابه بند یک ماده ۲۰۵-۷ از کتاب دوم DCFR می باشد. با توجه به مواد ۲۰۳-۷، ۳۰۱-۷ و ۳۰۷-۷ از کتاب سوم DCFR و ماده ۲-۱۰ UNIDROIT تاریخ آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از تقلب از هنگامی محاسبه می شود که طرف متضرر از تقلب مطلع گردیده یا حسب شرایط می بایست مطلع شده باشد.^۳ بنابراین، در

1. II.-7:205: (1) A party may avoid a contract when the other party has induced the conclusion of the contract by fraudulent misrepresentation, whether by words or conduct, or fraudulent nondisclosure of any information which good faith and fair dealing, or any pre-contractual information duty, required that party to disclose.

2. A party may avoid the contract when it has been led to conclude the contract by the other party's fraudulent representation, including language or practices, or fraudulent non-disclosure of circumstances which, according to reasonable commercial standards of fair dealing, the latter party should have disclosed.

3. DCFR- III.-7:203: (1) the general period of prescription begins to run from the time when the debtor has to effect performance or, in the case of a right to damages, from the time of the act which gives rise to the right.

- DCFR- III. - 7:301: The running of the period of prescription is suspended as long as the creditor does not know of, and could not reasonably be expected to know of: (a) the identity of the debtor; or

(b) the facts giving rise to the right including, in the case of a right to damages, the type of damage.

ارتباط با ادعای ناشی از تقلب؛ مقررات DCFR و ۲۰۱۰ UNIDROIT با مقررات کنوانسیون مرور زمان هماهنگ و سازگار هستند.

نقض تعهد

طبق ماده ۱۱ کنوانسیون، هرگاه فروشنده صراحتاً تعهدی در خصوص کالا چه در حین قرارداد چه در زمان تحویل (UNCITRAL & Sono, 1988; Art 11, para 1) نموده باشد، مرور زمان در ارتباط با هر ادعای ناشی از تعهد مذکور، از تاریخی آغاز می‌شود که خریدار در آن تاریخ، مبادرت به اعلام سبب ادعای خود به فروشنده نماید. با وجود این، تاریخ شروع مرور زمان به هر صورت موخر بر تاریخ انقضای مدت تعهد نخواهد بود.

کنوانسیون مرور زمان در این ماده اختیار نسبتاً وسیعی به خریدار می‌دهد و تاریخ آغاز مرور زمان را منوط به اعلام سبب مبنای ادعای خریدار، توسط وی؛ به فروشنده می‌نماید. البته این اعلام می‌بایست حداکثر تا پایان دوره تعهد فروشنده صورت گیرد، در غیر این صورت؛ تاریخ آغاز مرور زمان از پایان آخرین روز دوره تعهد خواهد بود (UNCITRAL & Sono, 1988; Art 11, para 1,2).

در صورتی که تا پایان آخرین روز دوره ی تعهد چنین اعلامی از سوی خریدار صورت نگیرد، حتی در شرایطی که طبق توافق طرفین، خریدار محق به چنین اعلامی بعد از اتمام دوره تعهد باشد؛ در هر حال بازه مرور زمان از پایان آخرین روز دوره تعهد آغاز خواهد شد و مهلت مقرر شده برای اعلام تأثیری در هنگام آغاز مرور زمان نخواهد داشت (Enderlein & Maskow 1992; Art 11, para 4: p415).

طبق مواد ۲۰۳-۷ و ۳۰۱-۷ از کتاب سوم DCFR و ماده ۲-۱۰-۱۰ UNIDROIT در ادعای ناشی از نقض تعهد، مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که متعهدله از نقض تعهد آگاهی یابد یا حسب شرایط می‌بایست مطلع شده باشد. اما در مقررات کنوانسیون، همان‌طور که بیان شد، هنگام آغاز مرور زمان از تاریخی است که خریدار سبب ادعای خود را اعلام می‌نماید فارغ از اینکه چه زمانی به دست فروشنده می‌رسد.

- PICC- 10.2: (1) The general limitation period is three years beginning on the day after the day the obligee knows or ought to know the facts as a result of which the obligee's right can be exercised.

به عبارتی، در مقررات کنوانسیون در ارتباط با آغاز مرور زمان هنگام وصول اعلام به فروشنده مدنظر نیست بلکه بازه مرور زمان از تاریخ اعلام نقض آغاز خواهد شد. بنابراین، در مسئله مورد نظر نیز مقررات DCFR و UNIDROIT 2010 با مقررات کنوانسیون هماهنگ نمی باشند.

نقض قابل پیش‌بینی قرارداد

در بند یک ماده ۱۲ کنوانسیون پیرامون تاریخ آغاز مرور زمان در ادعای ناشی از نقض قابل پیش‌بینی قرارداد دو حالت مورد بیان قرار گرفته است: حالتی که بر اساس قانون حاکم بر قرارداد بر اثر چنین نقضی، حق فسخ ایجاد گردیده اما تا موعد اجرای قرارداد اعمال نشده است، که در این صورت؛ هنگام آغاز مرور زمان موعد اجرای قرارداد خواهد بود.

حالت دوم، شرایطی است که طبق قانون حاکم بر قرارداد، حق فسخ برای طرف متضرر ایجاد گردیده و وی حق فسخ خود را اعمال نموده است که در این صورت، آغاز مرور زمان از هنگام اعلام فسخ به طرف دیگر قرارداد محاسبه می‌شود. بر اساس ماده ۷-۳-۳ UNIDROIT^۱ 2010، امکان فسخ قرارداد در صورتی برای طرف زیان دیده ایجاد می‌شود که عدم اجرای تعهد جنبه اساسی در قرارداد داشته باشد.

همچنین، ماده ۵۰۴-۳ از کتاب سوم DCFR در ارتباط با نقض قابل پیش‌بینی قرارداد، دارای مقررات مشابه ۲۰۱۰ UNIDROIT است. طبق این ماده، متعهدله زمانی می‌تواند قرارداد را به سبب نقض قابل پیش‌بینی فسخ نماید که عدم اجرا متضمن نقض اساسی قرارداد باشد. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه زمانی نقض قرارداد، نقض اساسی محسوب می‌شود؟

1. 7.3.3 - Where prior to the date for performance by one of the parties it is clear that there will be a fundamental non-performance by that party, the other party may terminate the contract.

2. III. – 3:504: Termination for anticipated non-performance

A creditor may terminate before performance of a contractual obligation is due if the debtor has declared that there will be a non-performance of the obligation, or it is otherwise clear that there will be such a non-performance, and if the non-performance would have been fundamental.

در کتاب سوم- ماده ۵۰۲-۳ DCFR، در تعریف «عدم اجرای اساسی تعهد»^۲ مقرر می‌دارد: عدم اجرای تعهد، زمانی اساسی محسوب می‌شود که متعهدله به نحو قابل ملاحظه‌ای از حقی که بر اساس قرارداد برای او ایجاد گردیده، محروم شود. مگر اینکه چنین نتایجی در زمان انعقاد قرارداد توسط متعهد پیش بینی نشده باشد و همچنین به طور متعارف و معقول نیز، امکان چنین پیش بینی از سوی متعهد وجود نداشته باشد.

علاوه بر این، مورد b بند دوم این ماده نیز مقرر می‌نماید: «اگر عدم اجرای تعهد عامدانه باشد یا بر اثر سهل انگاری متعهد رخ دهد و بر اساس دلایل موجود، متعهدله نتواند به اجرای تعهد در آینده توسط او اعتماد نماید؛» عدم اجرای اساسی تعهد «رخ داده است». بنابراین، بر اساس مقررات DCFR نقض قابل پیش بینی قرارداد، در صورتی ایجاد حق فسخ می‌کند که هر یک از شرایط مذکور در ماده ۵۰۲-۳ DCFR وجود داشته باشد.

در بند دوم ماده ۱-۳-۲۰۱۰ UNIDROIT نیز، تعریف نسبتاً مشابهی از عدم اجرای اساسی قرارداد بیان گردیده است. بر اساس مقررات UNIDROIT ۲۰۱۰ و DCFR دو حالت ممکن است رخ دهد:

حالت اول، شرایطی است که بر اساس آن، نقض قابل پیش بینی به دلیل عدم تحقق

1. III.-3:502: Termination for fundamental non-performance

(1) A creditor may terminate if the debtor's non-performance of a contractual obligation is Fundamental.

(2) A non-performance of a contractual obligation is fundamental if:

(a) it substantially deprives the creditor of what the creditor was entitled to expect under the contract, as applied to the whole or relevant part of the performance, unless at the time of conclusion of the contract the debtor did not foresee and could not reasonably be expected to have foreseen that result; or

(b) it is intentional or reckless and gives the creditor reason to believe that the debtor's future performance cannot be relied on.

2. Fundamental Non-performance

3. (2) In determining whether a failure to perform an obligation amounts to a fundamental non-performance regard shall be had, in particular, to whether:

(a) the non-performance substantially deprives the aggrieved party of what it was entitled to expect under the contract unless the other party did not foresee and could not reasonably have foreseen such result;

(b) strict compliance with the obligation which has not been performed is of essence under the contract;

(c) the non-performance is intentional or reckless;

(d) the non-performance gives the aggrieved party reason to believe that it cannot rely on the other party's future performance;

(e) The non-performing party will suffer disproportionate loss as a result of the preparation or performance if the contract is terminated.

ویژگی‌های مقرر در مواد ۱-۳-۷ UNIDROIT 2010 و ۲-۵-۳ DCFR مشمول نقض اساسی قرارداد نمی‌شود و بدین ترتیب طرف دیگر نمی‌تواند قرارداد را فسخ کند. در حالت دوم، شرایطی مدنظر است که بر اساس آن، عدم اجرای قرارداد در آینده - حسب قانون حاکم - واجد هر یک از شرایط مواد ۱-۳-۷ UNIDROIT 2010 و یا ۲-۵-۳ DCFR می‌باشد که با توجه به شرایط موجود، طرف متضرر می‌تواند قرارداد را به سبب چنین نقضی فسخ نماید. در این حالت، هنگام آغاز مرور زمان از تاریخی مورد محاسبه قرار خواهد گرفت که طرف متضرر از وجود چنین حقی مطلع شده یا می‌بایست مطلع شده باشد. به عبارتی، از زمانی که متعهدله از چنین نقضی - به‌طور عینی یا شخصی - آگاهی یافته است^۱ (UNIDROIT, 2010 Art 10.2, para 6 & DCFR, 2009 Art 7.301, para B).

بنابر این، پیرامون نقض قابل پیش‌بینی، میان مقررات کنوانسیون و مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR تفاوت وجود دارد. چرا که طبق بند یک ماده ۱۲ کنوانسیون مرور زمان، در حالتی که بر اساس قانون حاکم، طرف متضرر محق به فسخ قرارداد می‌باشد؛ مرور زمان از تاریخی آغاز خواهد شد که فسخ به طرف دیگر قرارداد اعلام گردد. بدین ترتیب طرف متضرر می‌تواند آغاز بازه مرور زمان را تا موعد قرارداد به تاخیر بیاورد. این در حالی است که در مقررات ۲۰۱۰ UNIDROIT و DCFR این امکان وجود ندارد. بلکه طبق مواد ۲۰۳-۷ و ۳۰۱-۷ از کتاب سوم DCFR و ۲-۱۰ UNIDROIT 2010، هنگام آغاز مرور زمان از تاریخی خواهد بود که طرف دیگر از چنین نقضی مطلع شود یا می‌بایست مطلع شده باشد - فارغ از اینکه حق فسخ خود را اعمال نماید یا خیر - بنابر این، امکان تاخیر در آغاز بازه مرور زمان توسط متضرر در مقررات دو سند اخیر وجود ندارد.

1. DCFR- III.-7:203: (1) the general period of prescription begins to run from the time when the debtor has to effect performance_or, in the case of a right to damages, from the time of the act which gives rise to the right.

- DCFR- III. - 7:301: The running of the period of prescription is suspended as long as the creditor does not know of, and could not reasonably be expected to know of: (a) the identity of the debtor; or

(b) The facts giving rise to the right including, in the case of a right to damages, the type of damage.

- PICC- 10.2: (1) The general limitation period is three years beginning on the day after the day the obligee knows or ought to know the facts as a result of which the obligee's right can be exercised.

نتیجه گیری

بررسی های صورت گرفته پیرامون هنگام آغاز مرور زمان، نشان می دهد که مقررات UCC در برخی موارد با مقررات کنوانسیون سازگار است. مدت مرور زمان در کنوانسیون و UCC چهارسال تعیین شده و همچنین در ادعاهای ناشی از نقض قرارداد، عدم انطباق کالا و تقلب؛ تاریخ آغاز مرور زمان در مقررات UCC و کنوانسیون با یکدیگر سازگار و هماهنگ هستند. به طوری که در هر دو سند مبدأ مرور زمان در ادعاهای ناشی از نقض قرارداد از زمان نقض، عدم انطباق کالا از هنگام تسلیم واقعی کالا آغاز می شود. همچنین در ارتباط با تقلب نیز این مدت از زمانی آغاز می شود که تقلب کشف شود یا به طور معقول می بایست کشف شده باشد. اما پیرامون مبدأ مرور زمان در ادعاهای ناشی از نقض قرارداد اقساطی، نقض تعهد و نقض قابل پیش بینی، میان مقررات کنوانسیون و UCC تفاوت وجود دارد. بر اساس مقررات کنوانسیون در مواردی که طرف قرارداد حق فسخ خود را اعمال نماید، مرور زمان از تاریخ اعلام فسخ آغاز خواهد شد و این در حالی است که طبق مقررات UCC و تفسیر قضایی ماده ۷۲۵-۲، در اینگونه موارد مرور زمان از هنگامی محاسبه می شود که سبب ادعا ایجاد گردیده است.

طبق مقررات UCC، سبب ادعا در مواردی که فسخ ناشی از نقض قرارداد اقساطی است از تاریخی محاسبه می شود که نقض یا نقض های متعدد موجب کاهش ارزش قرارداد گردیده است. همچنین، در ارتباط با نقض قابل پیش بینی قرارداد از زمان اعلام عدم اجرای قرارداد توسط متعهد و در ارتباط با نقض تعهد^۱ از تاریخ تحویل کالا به خریدار خواهد بود.

در این موارد به نظر می رسد معیار UCC شاخص مناسب تری برای مبدأ مرور زمان باشد چرا که کنوانسیون با تعیین هنگام اعلام فسخ و یا اعلام سبب نقض به عنوان مبدأ مرور زمان، اختیار نسبتاً وسیعی برای طرف قرارداد قائل شده تا هر زمان که اراده کرد مبادرت به چنین اعلامی نماید، اگر چه طرف متضرر می بایست طی مدت زمان معقولی مبادرت به اعلام فسخ قرارداد نماید اما در هر صورت وی قادر به تعیین تاریخ آغاز این بازه زمانی است. این در حالی است که در مقررات UCC معیار دقیق تری مد نظر قرار گرفته، به طوری که بازه مرور زمان از هنگامی آغاز می شود که نقض قرارداد رخ دهد. بدین ترتیب بر خلاف کنوانسیون طرفین

1. Breach of Warranty

نمی‌توانند در تعیین مبدأ مرور زمان نقش اساسی داشته باشند و تا هر زمان که مایل باشند آن را به تاخیر بیندازند.

بررسی تطبیقی مدت و مبدأ مرور زمان در مقررات DCFR و UNIDROIT 2010 از یک سو و مقررات کنوانسیون از سوی دیگر، حاکی از این است که مقررات دو سند مذکور پیرامون مدت و مبدأ مرور زمان، در غالب موارد با مقررات کنوانسیون هماهنگ نمی‌باشند و از این جهت بین آنها تفاوت‌هایی وجود دارد.

بازه مرور زمان در DCFR و UNIDROIT 2010 سه سال تعیین شده در حالی که مدت مرور زمان در کنوانسیون چهار سال می‌باشد. علت تفاوت مدت مرور زمان و نحوه تعیین مبدأ آن در مقررات کنوانسیون با دو سند مذکور ناشی از اعمال «قاعده ی کشف»^۱ در مقررات DCFR و UNIDROIT 2010 است. به طوری که طبق مقررات این دو سند، در ادعاهای ناشی از نقض قرارداد، نقض قرارداد اقساطی، تقلب، عدم انطباق کالا، نقض تعهد و نقض قابل پیش بینی؛ بازه مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که متعده از سبب ادعای خود آگاه شود و یا حسب شرایط می‌بایست آگاه شده باشد و این در حالی است که در مقررات کنوانسیون به استثنای تقلب، قاعده کشف اعمال نمی‌شود.

یکی از مهمترین دلایل اعمال قاعده کشف در تعیین مبدأ مرور زمان در مقررات DCFR و UNIDROIT 2010 این است که مقررات مذکور علاوه بر قراردادهای بیع کالا، قراردادهای خدمات را نیز در بر می‌گیرند، از همین رو لازم است تا معیاری تعیین شود که ضمن حفظ منافع طرفین قرارداد، از بی ثباتی و بی نظمی نیز جلوگیری نماید. زیرا که با توجه به ویژگی‌های قراردادهای خدمات، در زمان تحویل و بلافاصله بعد از آن نمی‌توان نسبت به کلیه تعهدات صورت گرفته اعلام نظر نمود بلکه در بسیاری از موارد در طول زمان مشخص می‌شود که تعهدات قراردادی به طور صحیح و کامل اجرا گردیده است یا خیر.

1. Discovery Rule

منابع

الف- کتب و مقالات

- ترابی، ابراهیم. و شعاریان، ابراهیم، (۱۳۹۳)، حقوق تعهدات: مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق (چاپ بیستم). تهران: انتشارات گنج دانش.
- دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸)، «کنوانسیون مرور زمان در بیع بین‌المللی کالا ۱۹۷۴ و پروتکل اصلاحی آن ۱۹۸۰». مجله حقوقی، شماره دهم.
- رفیعی، محمد تقی، (۱۳۹۳)، فرهنگ حقوقی جامع مجد. تهران: انتشارات مجد.
- شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد، (۱۳۹۳)، حقوق بیع بین‌المللی: شرح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- صفایی، سید حسین. و دیگران، (۱۳۹۰)، حقوق بیع بین‌المللی (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، عقود معین: معاملات معوض- عقود تملیکی (جلد اول، چاپ دوازدهم). تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Antoniolli, L., Fiorentini, F., Bussani, M., & Mattei, U. (2011). *A factual assessment of the draft common frame of reference*: Sellier.
- Enderlein, F., & Maskow, D. (1992). *INTERNATIONAL SALES LAW*. New York: Oceana Publications.
- Hartkamp, A. S., Hesselink, M. W., Hondius, E. H., Mak, C., & Perron, C. E. d. (2011). *Towards a European civil code*: Kluwer law international.
- Hill, A. F. (1990). «Comparative Study of the United Nations Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods and Section 2-725 of the Uniform Commercial Code», A. Tex. Int'l LJ, 25, 1.
- Sono, K. (2003). *The Limitation Convention: The Forerunner to Establish UNCITRAL Credibility*. Retrieved Jan, 2014, from <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sono3.html>
- UNCITRAL, & Sono, K. (1988). *COMMENTARY ON THE CONVENTION ON THE LIMITATION PERIOD IN THE INTERNATIONAL SALE OF GOODS*. 2014, from http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sono1.html#*
- UNIDROIT, I. I. F. T. U. O. P. L. (2010). *UNIDROIT Principles of*



International Commercial Contracts (Commentary On UNIDROIT):
International institute for the unification of private law

-Von Bar, Christian., & Clive, Eric. (2009). *Principles, Definitions and Model Rules Of European Private Law* . European Law Publisher.

-ZIMMERMANN, R. (2004). *COMPARATIVE FOUNDATIONS OF A EUROPEAN LAW OF SET-OFF AND PRESCRIPTION*. United kingdom: Cambridge university press.

ب- آرای قضایی

- American Cyanamid Co. v. Mississippi Chemical Corp, No. No. 85-3918, 817 91 (Court of Appeals, 11th Circuit 1987). retrieved from: http://scholar.google.com/scholar_case?case=10596370653575317420&q=Amer+ican+Cyanamid+Co.+v.+Mississippi+Chemical+Corp&hl=en&as_sdt=2006

-Firestone & Parson v. Union League of Philadelphia, No. Civ. A. No. 86-5856, 672 819 (Dist. Court, ED Pennsylvania 1987). retrieved from:

http://scholar.google.com/scholar_case?case=13901175430847580926&q=Fi+restone+%26+Parson+v.+Union+League+of+Philadelphia&hl=en&as_sdt=2006

-Frey Dairy v. AO Smith Harvestore Products, Inc, No. Civ. No. 87-CV-70734-DT, 680 253 (Dist. Court, ED Michigan 1988). retrieved from:

http://scholar.google.com/scholar_case?case=12829132862152670073&q=Fr+ey+Dairy+v.+AO+Smith+Harvestore+Products,+Inc&hl=en&as_sdt=2006

-Kirby v. Chrysler Corp, No. Civ. A. No. J-80-2919, 554 743 (Dist. Court, D. Maryland 1982). retrieved from:

http://scholar.google.com/scholar_case?case=14472315597219801350&q=Ki+rby+v.+Chrysler+Corp,+No.+Civ.+A.+No.+J-80-2919,+554+743+&hl=en&as_sdt=2006